

"بخش دوم"
ماتریالیسم تاریخی

۵ فرماسیون جامعه بشری
ویژگی ها و قانونمندی ها
امیر نیک آیین

فصل - ششم تئوری مارکسیستی لنینیستی فرماسیون های اجتماعی - اقتصادی

درس ۶۲ - درباره "شیوه تولید آسیائی"

(۱)

جهت عمومی تحول تاریخ بشری یکسان و قوانین اساسی حاکم بر آن واحدند. در عین حال اشکال تکامل و انحلال و تبدیل صورت بندی ها و نحوه در هم آمیختگی آنها گوناگون و با درجات متفاوت است. در سه درس گذشته دیدیم که راه تکامل جامعه بشری در مناطق و سرزمین های مختلف جهان به طور عمده و در اساس مشترک است که در عین حال دارای ویژگی هائی نیز در هر جا، بوده است.

از آنجا که در نشریات مارکسیستی و بحث های کنونی از نظام اجتماعی خاصی که کارل مارکس در برخی از آثار خویش آن را "شیوه تولید آسیائی" نامیده سخن به میان می آید، در این باره اجمالا توضیحاتی می دهیم.

تئوری فرماسیون های اجتماعی - اقتصادی یک دستاورد اساسی ماتریالیسم تاریخی است. همان طور که در درس های گذشته دیدیم جامعه بشری در مجموع خویش از پنج فرماسیون: کمون اولیه، برده داری، فئودالیسم، سرمایه داری و کمونیسم گذشته و می گذرد. کارل مارکس پژوهش های عمیق خود را به طور عمده بر همین شکل کلاسیک تحول فرماسیون ها استوار کرده است. مارکس در بررسی ویژگی گذار از جامعه بدون طبقه اولیه به جامعه طبقاتی و ویژگی های هر یک از سه فرماسیون متکی بر استثمار و طبقات متخاصم، اشکال مختلف و نحوه های گوناگون تحولات مالکیت را مطالعه کرده است و قانونمندی های عام را در هر یک از حالات خاص کشف کرده و توضیح داده است. طی برخی از این بررسی ها است که ما در بعضی از آثار مارکس به عبارت "شیوه تولید آسیائی" برمی خوریم. مارکس هم چنین در بررسی های ژرف خویش برای تحول مالکیت جمعی قبیله ای به اشکال دیگر مالکیت، چهار جهت عمده را تشخیص داده است که عبارتند از: شکل آسیائی، شکل اسلاوی، شکل ژرمنی و شکل کلاسیک یونان و روم.

در دوره معینی از این بررسی هاست که مارکس اشارات و توضیحات متعددی پیرامون ویژگی های ساخت اجتماعی - اقتصادی مشخصی در شرق باستان مطرح می کند. در این بررسی های معین، بر شالوده تحقیقات مشخص موجود آن زمان، تفاوت هایی که با رژیم های برده داری کلاسیک یونان و روم و نیز فئودالیسم اروپائی موجود است خاطر نشان شده است.

(۲)

یک رشته از مشخصات ویژگی های مربوط به "شیوه تولید آسیائی" آنچنان از اشارات و توضیحات و بررسی های متعدد مارکس برمی آید، چنین اند:

اول- وجود یک کمونوته یا "ویس" کشاورزی روستائی که از کمون ها یا ویس های اولیه متمایز است ولی همانند کمون های جامعه اشتراکی بدوی با بازده بسیار نازل کار همراه است.

دوم- وجود دولت، که همانطور که می دانیم یک نهاد روبنائیست وابسته به جوامع منقسم به طبقات. در "شیوه تولید آسیائی" تشکیل دولت وابسته است بوجود طبقات اجتماعی و قشر های برتر و پست تر. طبقه اجتماعی برتر از جمع کمونوته های کشاورزی یا ویس روستائی (دهکده های طایفه ای)، باج و خراج، سیورسات و عوارض اجباری می گیرد و بدین طریق یک استثمار اقتصادی گروهی برقرار می کند.

سوم- فقدان مالکیت خصوصی بر زمین. بر روی قطعات معین زمین مالکیت دوگانه وجود داشت، هم مالکیت "کاخ" (دربار) یعنی رئیس دولت و هم مالکیت کمونوته یعنی اجتماع اشتراکی روستائی.

چهارم- خصلت استبدادی و خودکامه قدرت دولتی، که پایه آن را حق مالکیت سلطان مستبد بر زمین (اگر چه مشترک) تشکیل می داد. اما این حق در شیوه تولید آسیائی فاقد خصلت شخصی بود و خصلت مقامی و عملی داشت. یعنی نه حق سلطان، بلکه حق هر شخصی که سلطان بود و عمل ویژه او را انجام می داد شمرده می شد. بعلاوه خودکامگی و قدرت متمرکز مستبد بر وظایف معین سلطان و نزدیکان او، در تشکیلات جامعه و نقش ویژه ای که بعقل خاص اقلیمی و جمعیتی داشته اند، متکی بوده است.

پنجم- اگر هم بردگان در این شیوه تولید وجود داشتند، نقش اساسی و قاطع را در تولید اجتماع ایفا نمی کردند. این نقش به عهده دهقانان کمونوته ها (ویس ها- اجتماعات همیار) بود.

ششم- تضاد اساسی طبقاتی در این شیوه تولید بین کمونوته های روستائی از یک سو و طبقه برتر و منجمله سلطان از سوی دیگر بوده است.

اینها هستند ویژگی های "شیوه تولید آسیائی" بدانگونه که از برخی توضیحات و بررسی های مارکس ناشی می شود. دانشمندان مارکسیست لنینیست در این باره پژوهش های فراوان کرده اند و بحث های پر بار آن ها هنوز هم ادامه دارد. این بحث ها از هم اکنون صحت و کامل بودن تئوری مارکسیستی فرماسیون های اجتماعی- اقتصادی و گذار جامعه بشری از پنج فرماسیون را ثابت کرده است. این بحث ها نشان داده است که از یک سو نباید مسائل را مطلق و قالبی کرد و ویژگی ها را ندید و از سوی دیگر نباید بطور انحصاری توجه را به ویژگی های معطوف داشت، **قانونمندی ها** را ندید و نتیجه های غیراصولی از آن گرفت.